



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

آثار ترویجی

انتظار

محمد صادق شیرازی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آثار تربیتی انتظار

نویسنده:

محمد صادق حائری شیرازی

ناشر چاپی:

موعود

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	آثار تربیتی انتظار
۶	مشخصات کتاب
۶	مفهوم انتظار از دیدگاه حائری شیرازی
۱۰	پاورقی
۱۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

آثار تربیتی انتظار

مشخصات کتاب

نویسنده: محمد صادق حائری شیرازی

ناشر: موعود

مفهوم انتظار از دیدگاه حائری شیرازی

موعود: با سپاس از اینکه اجازه فرمودید خدمتتان برسیم و از محضرتان استفاده بکنیم. موضوع اصلی بحث مساله آثار تربیتی انتظار است. اما در مورد مفهوم انتظار فرج و اینکه چه اراده‌ای از این مفهوم می‌شود، دیدگاه‌های متفاوتی هست، هم در گذشته و هم در حال حاضر. هر کس با دیدگاهی با مساله انتظار فرج برخورد کرده است و مفهومی خاص از انتظار فرج ارائه داده است و بر اساس همین مفهوم هم مشی اجتماعیش را شکل داده است. با توجه به اهمیت مساله و اینکه هر مفهومی که ما از انتظار فرج اراده بکنیم، در عمل اجتماعیمان تاثیر می‌گذارد، به عنوان اولین سؤال بفرمائید که اصلا مفهوم انتظار فرج از نظر شما چیست و حضرت عالی دیدگاه‌های مختلفی را که در این زمینه هست چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیت الله محی الدین حائری شیرازی: بسم الله الرحمن الرحیم، هر مطلب مفید و مثبتی قابل تحریف است، می‌شود با اندک تصرفی، اندک دخالتی مطلب را از مسیر خودش منحرف کرد، شیطان کارش همین است که یک مطلب اصیل را وارونه کند، دین برای یک امری است، شیطان از دین چیز دیگری می‌سازد. این همه کسانی که انسانهای بسیاری را منحرف کرده‌اند، یعنی دین جعل کرده‌اند، حقیقت دین را مسخ کردند، شد یک چیزی که شیطان پسند باشد، انتظار هم از این قبيله مستثنی نیست، شیاطین بهترین کارشان برای خودشان همین هست که انتظار را از معنی اصلی خودش دور کنند، معنی انحرافی برایش درست کنند، پس معنی اصیل انتظار را ببینیم چیست تا معنی انحرافیش مشخص بشود. معنی اصیل انتظار این است که انسان در خودش زمینه آمادگی برای اطاعت و پیوستن به آن حضرت را پیدا نکند و همچنین زمینه را برای آن حضرت آماده کند. یعنی هم خودش آماده باشد برای پیوستن به آن حضرت، هم برای آن حضرت زمینه سازی بکند. بعضی‌ها یک بعد انتظار را گرفته‌اند و آن اینکه می‌گویند آن حضرت تا نیاید امور اصلاح نمی‌شود اما اینکه آیا لازم است که ما کاری کنیم تا برای آن حضرت زمینه هموارتر بشود، این را می‌گویند به ما مربوط نیست، این برداشت غلطی از انتظار است، این یاس است، این انتظار نیست. می‌گویند از دست ما کاری ساخته نیست. صاحبش می‌آید خودش امور را اصلاح می‌کند، خیر از دست شما کاری ساخته است، بعضی جایگاه تقدیر را و جایگاه مقدرات را نشناخته‌اند، جایگاه تقدیر و مقدرات این نیست که از انسانها سلب اختیار کنند، سلب قدرت کنند، تقدیر جای خودش را دارد، قدرت و اختیار انسان هم جای خودش را دارد و به دلیلی که انسان مختار است و خدا امانت قدرت را به انسان داده است، این زمینه انتظار فراهم می‌شود. چرا؟ چون آن روزی که آن حضرت می‌آید اینطور نیست که ایشان از انسانها، سلب قدرت می‌کند و انسانها را به راهی که می‌رود مجبور می‌کند، اگر بنا بر چنین کاری بود نیاز به انتظار نبود، در همان سال وقتی که ایشان چهار ساله بودند، نه، وقتی که ایشان ده یازده ساله بودند یا پانزده ساله بودند یا بیست ساله بودند اگر بنا بر اکراه بود خوب همان موقع اقدام می‌شد نیاز نبود که این همه زمان بگذرد و قرآن مکررا می‌فرماید: «انلزمکموها و انتم لها کارهون [۱]». با اینکه شما بدتان می‌آید و کراهت دارید، شما را به قضیه ملزم بکنیم؟ یا می‌فرماید: «انما انت مذکر لست علیکم بمصیطر [۲]». «لست علیهم بوکیل [۳]». پس این مجموعه‌ها نشان می‌دهد که آن حضرت در انتظار مساعد شدن شرایط و اذن پروردگار جل و اعلی است، پروردگار متعال هم برنامه‌اش این نبوده است که مردم عوض نشدند او عوض کند، چه ظهور، چه غیبت، جزء این آیه هستند: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم [۴]». آن روزی که غیبت

صورت گرفت، باز باعثش مردم شدند، مردم یک کاری کردند که نعمت ازشان سلب شد و آن روزی که حضور پیدا بشود قبلش مردم عوض شده‌اند، «ذلک بان الله لم یک مغیرا نعمه انعمها علی قوم حتی یغیروا ما بانفسهم [۵]. یا می گوید: «ان عدتم عدنا» [۶]. اگر شما برگردید ما برمی گردیم، گاهی هم در توبه را باز می کند و خدا لطفی می کند در آنجا و می گوید: «تاب علیهم لیتوبوا» [۷]. ملاحظه وضعیتشان و ضعفشان را کرده است، نظری کرده است، اجازه داده است که دلشان بشکند و توبه کنند، آن هم جایگاه خودش را دارد. پس اصل غیبت که شروع شد از ناشکری شروع شد، کاری با امام یازدهم کردند شیعیان که با هیچ کدام از امامان نکردند، یک نامه‌ای به ایشان نوشتند که پولهایی را که ما خدمتان فرستادیم شما بیلانش را به ما بگویید در «تحف العقول حضرت پاسخشان را اینطوری دادند که اگر این امامت امر مستمری است چرا این سؤال از یکی از پدران من نشد، چرا آنها متهم به این معنا نشدند؟ بعد از آن حضرت پذیرفت و دستور فرمود پرده سیاهی در اتاق ایشان آویختند، مردم می آمدند از پشت پرده سؤال می کردند و می رفتند. این هم پرده غیبت است. این حرکت است، چون خدای تعالی می توانست آسمانها و زمین را در یک لحظه خلق کند اما آنها را شش روزه آفرید، در روایت داریم که ای برای «اناته است»، «تانی است»، خداوند «تدرج را دوست دارد، این متین تر است. پس اول غیبت کبری است با نواب لاعلی التعیین [غیر معینی]، که حضرت دیگر تعیین نمی کنند، قلوب مردم به سمتی برود و آمادگیشان و ساخته شدنشان برای ظهور، معنای انتظار این است که هم خودش را فرد آماده کند برای پیوستن به آن حضرت، و هم دیگران را برای این کار تشویق کند و برای این کار تمهید مقدمات کند. در یک مصداق کوچک می شود اینطوری مثال زد، امام راحل، قدس سره، در نجف بود و مردم آرزو داشتند بیاید ایران، همکاری با او می کردند با اینکه در بینشان نبود، نوارش را تکثیر می کردند، صحبتش را اشاعه می کردند، ذکر خیر او می کردند، اطلاعیه به نفعش می دادند، کار برایش می کردند، تا امام رفتند به پاریس. باز هم مردم در اینجا تظاهرات می کردند، راهپیمایی می کردند، آن اندازه تلاش کردند، کار کردند، تا حکومت شاه را فلج کردند، تا امام آمد و حکومت هم نتوانست کاری بکند، این نقش مردم بود. آمدن امام بر اساس کار و حرکت و تلاش مردم است، از مردم حرکت، از خدا برکت، نتیجه اش این شد که آمد. ظهور هم مثل همین است، در قبل از ظهور هم باید، اینهایی که دوستان آن حضرت هستند، آنچنان کار کنند که دشمنان آن حضرت فلج بشوند. آنچنان تبلیغ کنند، ترویج کنند، نام ببرند که اسم آن حضرت، انتظار آن حضرت، آمدن آن حضرت، یک امر شایع و رایجی بشود. این می شود انتظار حقیقی. بعضی ها می گویند ما چکار داریم که می آید ما خودمان اصلاح می کنیم، این غلط است، این عینا مثل قضیه دعاست، فرد می گوید من در مساله روزی باید کار کنم، دعا یعنی چه، یکی دیگر می گوید، دعا می کنم، کار یعنی چه؟ اما دستور این است که انسان کار بکند، دعا هم بکند، اگر دعا بکند و کار نکند، روایت داریم چند دسته دعایشان مستجاب نیست، یکیش این است که کسی در خانه بنشیند و بگوید «اللهم ارزقنی می گوید خداوند متعال به تو دست داده است، پا داده است، اینها وسایل روزی است، صلاح دانستم می دهم، می روی بیرون ممکن است صلاح ندانم و ندهم. تو معذوری، در مساله انتظار تلاشمان را باید بکنیم، دعا هم باید بکنیم، دعای برای تعجیل ظهور و تلاش برای آن. خداوند متعال نمونه دعای مستجاب را اینجوری می گوید، موسی علیه السلام، وقتی رسید به چاه دید که عده‌ای در اطراف چاه جمع شده و می خواهند به گوسفندانشان می خواهند آب بدهند، دو زن هم در آنجا ایستاده‌اند و منتظرند. آمد پیش آنها و گفت شما چه چیزتان است؟ «قال ما خطبکما قالتا لا نسقی حتی یصدر الرعاء» [۸]. گفتند: جلوی چشم این چوپانها آب نمی دهیم، تا اینها بروند «فسقی لهما» رحم کرد به اینها و برایشان آب کشید، «ثم تولى الى الظل [۹]. در آفتاب نایستاد و دعا کند، می خواست در حال خودش باشد. از این جهت رفت توی سایه، «فقال رب انی لما انزلت الی من خیر فقیر» [۱۰]. کارش را کرد، بعد دعایش را هم کرد، ما داریم در روایت «ارحم ترحم رحم کرد به آنها خدا هم به او رحم کرد. تلاش کرد در حد خودش برای دیگران، اما فرج شد برای خودش، از این جهت می گویند دعا کنید برای فرج ما که فرج می شود برای خودتان، موسی، علیه السلام، آب کشید برای دختران شعیب اما فرج شد برای خودش، در آن وقتی که درخواست می کرد «لما انزلت الی من

خیر فقیر» ما نمی‌دانیم چه خیری می‌خواهد، علی، علیه‌السلام، می‌داند، می‌فرماید: «والله ما ساله الا خبز یا کله [۱۱]. منظور موسی از خبز یک تکه نان بود، یک کف دست نان، از بس علف خورده بود «لانه کان یا کل بقله الارض و لقد کانت خضره البقل تری من شیف صفاق بطنه [۱۲]. از زیر پوست شکمش سبزی علف پیدا بود، پیداست که همه چربی بدنش آب شده بود در این مدت، این خیلی حرف است که علی، علیه‌السلام، می‌فرماید: سبزی علف از زیر پوست شکمش پیدا بود، موسی علیه‌السلام چقدر پوستهایش نازک شده بود و چقدر هم علف خورده بود، اما با این همه علف خوردن به کسی نگفت یک تکه نان به من بده، مناعت طبع موسی را نشان می‌دهد. خوب گاهی انسان از خدا یک پاره نان می‌خواهد، او به اندازه حاجتش می‌خواهد خدا به اندازه کرمش به او می‌دهد. خدا برای او مساله زن را حل کرد، مساله اشتغال را حل کرد، مساله مسکن را حل کرد، الان مساله جوانان ما و احتیاجات عمده جوانان ما این چهار تاست، شغلی، خانهای، همسری، بعد هم برای ادامه تحصیل کنکور بدهند و وارد دانشگاه بشوند، خداوند متعال همه اینها را برای موسی علیه‌السلام فراهم کرد. اول گفت: «انی ارید ان انکحک احدی ابنتی هاتین [۱۳]. همه می‌روند سراغ فردی که او پیشنهاد کند به پدر زن، پدر زن پیشنهاد می‌کند به داماد، یکی از این دو تا دختر را می‌خواهم به تو بدهم، این از زنش، «علی ان تاجرنی ثمانی حجج [۱۴]. هشت سال برایم کار کنی، این هم از شغلش، الان که می‌خواهد دست توی این سفره بکند بر اساس قرارداد است، میهمان نیست، تصدقی و اعانت و اینها نیست، از همین امشب غذایی که می‌خواهد بخورد بر اساس این است که می‌خواهد کار بکند، از حالا- جزء قرارداد است. چون اجیر اینهاست باید به اجیر مسکنش را هم بدهند، چون کار می‌کند، در مقابل کار مسکن می‌گیرد و زن می‌گیرد و قوت و غذا و بالاتر از هر سه اینها دانشگاه است، چه استاد دانشگاهی بهتر از شعیب و دانشگاهی بهتر از تربیت پیغمبر، شما دانشگاه تربیت معلم یا تربیت مهندس دارید اما اینجا دانشگاه تربیت پیغمبر است، خوب او یک تکه نان خواست، اینطوری بهش دادند، خدا به ما می‌آموزد عمل کنید، دعا هم کنید، در انتظار هم، هم عمل، هم دعا، هر کس بگوید من تلاش می‌کنم برای آن حضرت، دعا نمی‌کنم، اشتباه می‌کند. هر کس بگوید من دعا می‌کنم، کاری از دست ما ساخته نیست، ما فقط نشسته‌ایم. پس آنها انتظار افراطی و تفریطی و این هم حد وسط، حد اعتدال، این نوع انتظار، اثر تربیتی‌اش این است که من می‌گویم. من برای اصلاح عالم، هر کاری را مقدورم شد می‌کنم، هر چه را که نتوانستم او می‌آید تکمیلش می‌کند، ما می‌خواهیم این عالم را بسازیم، هر اندازه‌اش را که بتوانم می‌کنم، او می‌آید تکمیل می‌کند، من وقتی که بدانم که این کار من دیگر کسی دنبالش را نمی‌آورد، انگیزه کار کردن از من گرفته می‌شود، وقتی که من می‌دانم بالا-خره دیگران می‌آیند و این امور درست می‌شود، من هیچ نگران نیستم، چقدر از کار را می‌کنم، طلبه تربیت می‌کنم که برود انصار ایشان بشود. چون می‌دانم که آقا بعد از اینها استفاده می‌کند. هیچ نگرانی نیست، خستگی، افسردگی حاصل نمی‌کند، اثر دیگرش این است که انسان در حین انتظار این حکومتهایی که هست قبول ندارد می‌گوید اینها طاغوتند، الا یک حکومت انتظار که اهل انتظار باشد، آن حکومت را قبول دارد. بیعت با اینها نمی‌کند چون منتظر است که با آقا بیعت کند، ببینید کسی که منتظر است از آن سفره بخورد، از این سفره نمی‌خورد، می‌گوید سفره ما بعد از این هست. خودش را از این وضعیت سیر نمی‌کند، حالش، حالت مسافر می‌شود، آن حال منتظر است، حال منتظر یک حال قائم است نه یک حال قائد، ببینید شما نشسته باشید بخواید از این طرف اتاق نشسته بروید آن طرف اتاق، چقدر طول می‌کشد و چقدر زحمت دارد، اما اگر برخیزید چقدر راحت می‌توانید کار کنید. توان انسان را انتظار بالا می‌برد، ببینید بعضی می‌پرسند مثلاً چه کار می‌کند؟ «جعل الله الکعبه البیت الحرام قیاما للناس [۱۵]. این کعبه را اینطوری نگاهش نکن. هر که به این کعبه معتقد باشد از جایش برمی‌خیزد، می‌گوید دیگران دل به دنیا بسته‌اند، نشسته‌اند سر سفره دنیا همین را کرده‌اند خانه و مسکن، این بیت‌الله انسان را از خاک بلند می‌کند، انسان را سراپا بلند می‌کند، انتظار هم همین طور است، انتظار انسان را سرپا می‌کند، روحیه به انسان می‌دهد، یک اثر دیگر انتظار این است که به انسان سختی می‌دهد با آنها، چون به خودش می‌گوید من منتظر آنها هستم اما اگر آنها آمدند و گفتند ما تو را قبول نداریم، چه کار کنم؟ قرآن

را مشاهده می‌کند که طالوت گفت که «ان الله مبتلیکم بنهر فمن شرب منه فلیس منی و من لم یطعمه فانه منی الا من اغترف غرفة بیده . [۱۶]. خوب می‌گوید آقا امام زمان علیه‌السلام هم که قیام می‌کند اول جنودش ۳۱۳ نفر است، طالوتیها هم که ۳۱۳ نفر بودند پس وقتی که در ۳۱۳ این دو تا مشترکند، جنگ بدر هم ۳۱۳ تا بوده است، پس یک مشترکات دیگری هم دارد. نه همین شرب که به من بگوید هر کس خورد با ما نیست، هر کس نخورد از ماست مواظب می‌شود که از قدرتش سوء استفاده نکند، از آنچه که در اختیارش هست، «الا من اغترف غرفة بیده تا «من لم یطعمه فانه منی بشوی، پس انتظار این خاصیت را دارد که دریچه‌ای است بسوی نور. انتظار می‌گوید اصلا آن حال تو این نیست منتظرش شو، و همین می‌شود نفس کش او، زمینه تنفس او، مثل نماز، نماز برای انسان تنفس است، که این همه فانی، این همه کوچک، این هم یکجور دیگر بازی، یک طرفی هست که انسان با آن بازی نکند، وگرنه این همه عالم را ببیند، اگر این نماز نباشد، این انسان دق می‌کند و انتظار هم نباشد انسان مؤمن دق می‌کند. پس اثر روحی می‌گذارد، اثر تربیتی می‌گذارد، اثر اخلاقی می‌گذارد و بالاتر از همه ایشان گفته‌اند: شما دعا کنید برای تعجیل فرج ما که همین کار، فرج خود شماست. موعود: ببخشید در صحبت‌های شما نکته‌ای بود، در ارتباط با برخورد شخص منتظر با حکومتیایی که در زمان غیبت وجود دارند، این نکته ممکن است این سؤال را پیش بیاورد که پس حرکتی که در کشور ما برای تشکیل یک حکومت اسلامی ایجاد شد، چگونه باید توجیه کرد؟ این حرکت چگونه با مساله انتظار قابل جمع است؟ آیت الله محی الدین حائری شیرازی: جمهوری اسلامی خصلت بالایش همین انتظار است، امام راحل همیشه می‌فرمود «ما منتظر طلوع خورشیدیم ، «ان شاء الله این حکومت را ما به صاحب اصلیش بسپاریم ، نسبت به غیر این حکومت بله، بگوید آنها فاسقند، آنها فاسدند، آنها موانع راهند، از من نیستند، من از اینها نباشم، امانست به این حکومت باید معتقد باشد، برای پیوستن به آن حضرت آمادگی داشته باشد که افراد را به حضرت ملحق کند، اما اینکه کار آن حضرت را این حکومت می‌کند، خیر، آنطوری که حضرت اقامه عدل می‌کنند، اینها هم می‌توانند، نه، اینها می‌توانند زمینه‌چینی کنند، چرا، بعضی از امور را هم اینها تجربه کنند که زمینه فراهم بشود، مثلا ما می‌گوییم ولایت مطلقه فقیه، خوب کسی که به ولایت مطلقه فقیه معتقد بود و راضی شد به ولایت مطلقه امام به طریق اولی حاضر می‌شود که برای غیر معصوم ولایت مطلقه قائل بود و اینطوری از آن اطاعت کرد، تمرینی می‌شود برای اطاعتش از معصوم و معمولاً هم اینطور بزرگان وقتی که می‌آیند یکضرب نمی‌آیند، یک امتحانی می‌کنند، یک آزمایشی می‌کنند، یک سر و چشمی آب می‌دهند و بعد می‌آیند. هر عاقلی اینطوری است، امام حسین، علیه‌السلام، وقتی که کوفیان این همه نامه نوشتند، مسلم بن عقیل را فرستاد که سالی که نکوست از بهارش پیداست، با ایشان چه کنند. معلوم می‌شود که با آن حضرت چه می‌کنند. امام راحل را که برای این امت فرستادند مثل مسلم بن عقیل بود، اگر با او خوشرفتاری می‌کردند پیدا بود که می‌شد برای آن آقا هم اینها مریدهای خوبی باشند. واقعا هم مردم برای امام مریدان خوبی بودند، استقبالی از او کردند پنج میلیونی. وقت رحلتش هم بدرقه‌ای کردند بیشتر از آن استقبال، هر چه هم فتوا داد رعایت احترام فتوایش را کردند با سنتش و آدابش و عاداتش و می‌گفتند مرجع هر چه بگوید، هشت سال جنگیدن را لازم کرد، آدم یک روز بجنگد، دو روز بجنگد، یک ماه، یک سال، آن هم با دست خالی، اینها همه‌اش پیداست که آن وفاداری که به آن حضرت کردند برای این حضرت هم می‌کنند. موعود: وقتی که ما معارفی را که از ائمه معصومین، علیهم‌السلام، در مورد انتظار به ما رسیده است مورد مطالعه قرار می‌دهیم، می‌بینیم که تعبیرات خیلی بلندی در مورد اصل مساله انتظار در آنها وجود دارد، تعبیری مثل اینکه «افضل العبارة انتظارالفرج . این موضوع این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که حالت یک انسان منتظر با حالت یک انسان غیر منتظر چه تفاوتی دارد؟ چه چیزی به انتظار این فضیلت را بخشیده که «برترین عبارتها» شده است؟ اصولاً- وجه ممیزه انسان منتظر چیست؟ آیت الله محی الدین حائری شیرازی: انتظار و عدم انتظار مثل مسافر و حاضر است، کسانی که اهل دنیا هستند قصد اقامت کرده‌اند، کسانی که اهل آخرت هستند توی دنیا قصد اقامت ندارند، حالت مسافر دارند. مسافر چه کار می‌کند؟ مسافر مثلا- می‌خواهد برود کشور عربستان، می‌خواهد برود در آنجا مثلا- متوطن بشود،

نمی‌خواهد برود حج و برگردد، یک کسانی هستند که می‌خواهند بروند خارج و بمانند و دیگر برنگردند، اینها چه کار می‌کنند، همین‌ها کافی است برای مطالعه کار، اینها همه چیزشان را دلار می‌کنند، فرششان، باغشان، تجارت‌خانه‌شان، همه‌شان را پول می‌کنند می‌گذارند توی بانکهای خارج، کسی هم که اهل آخرت است، همه را می‌فرستد توی بانکهای آخرت، اینجا مصرفش نمی‌کند، پس آن کسی هم که معتقد است به آخرت، حالتش، حالت مسافر دارد که قصد رفتن کرده است، حالتش این است که همه چیزش را تبدیل به جنس ارز آن کشور می‌کند، انتظار هم همین حال را به انسان می‌دهد که شاید امشب آمد، شاید امروز صبح آمد، در روایات نگفته‌اند که آقاده سال دیگر می‌آید، بیست سال دیگر می‌آید، راوی می‌گوید که به آقا امام صادق، علیه‌السلام، عرض کردند که آقا من نماز صبح را که خواندم دلم می‌خواهد بخوابم اما می‌ترسم که خورشید از مغرب طلوع کند (چون در روایت است که از علائم است) اگر خورشید از مغرب طلوع کند آن وقت من آماده باشم به خاطر اینکه می‌خواهم نگاه کنم ببینم از کدام طرف طلوع می‌کند امروز روز ظهور است. الان شمشیرم را بردارم و آماده باشم برای قیام، خوابم نمی‌برد، حضرت فرمودند: نه بگیر بخواب. روزی که باید آفتاب بزند از مغرب سپیده‌اش هم از مغرب می‌زند، ببینید آقا چطوری با این حرف زد، نگفت آقا این قضیه مربوط به حالا نیست مربوط به نوه پشت چندمی من است، ایشان که اینقدر منتظر بود که هر روز به دنبال وقتش می‌گشت آقا حالش را به هم نزد، گفت حال خوشی دارد بگذار در حال خودش باشد، حال انتظار قریبی داشت. حضرت آب سرد نریخت رویش. از این جهت بسیاری می‌گفتند همین امروز ممکن است آقا ظهور کند. زمان نمی‌گفتند، می‌گفتند شاید همین جمعه آمد، این حالتی که آنها می‌خواستند این بوده است که انسان آمادگی خودش را حاصل کند، خوب وقتی که انسان آماده شد، مرگ هم بخواهد در آن حال آمادگی برسد، پشیمانی ندارد، می‌سازد انسان را از نظر اخلاقی. موعود: یکی از مسائل مهمی که الان وجود دارد مسئله تهاجم فرهنگی و مسائلی است که در مورد جوانها وجود دارد، به نظر شما ما چه استفاده‌ای می‌توانیم از ترویج فرهنگ انتظار و توسعه فرهنگ مهدویت و انتظار برای اصلاح وضعیت فرهنگی، بخصوص جوانان داشته باشیم. با ترویج فرهنگ انتظار چه تاثیری می‌توانیم بگذاریم در اصلاح جوانان و هدایت آنها به طریقی مطلوب؟ آیت الله محی‌الدین حائری شیرازی: فرهنگ انتظار ولایت انسان را حفظ می‌کند و با ولایتش انسان هر چه بخواهد بشود، می‌شود «الله ولی الذین امنوا یخرجهن من الظلمات الی النور» [۱۷]. ولایت است که سبب می‌شود که انسان از ظلمت به سوی نور بیاید این وقتی که انتظار آقا را دارد چهره ولایت در انتظار تجلی می‌کند، من این را برایتان توضیح بدهم یعنی چهره ممکن است ابعاد مختلف داشته باشد، کسی به نام زید می‌خواهد توی اتاق بیاید، هرکسی نسبت به زید موضعی می‌گیرد. آنکه از زید طلبکار است می‌گوید به او بگویم و طلبم را از او بگیرم، او که به زید بدهکار است یا می‌خواهد از زید فرار کند که زید را نبیند یا می‌خواهد بدهیش را به او بپردازد، خلاصه هرکس یک جوری با او برخورد می‌کند. وقتی که می‌گوییم ولایت، وقتی که امام حاضر است، ولایت یعنی اطاعت، وقتی که امام غایب است، نیست که از او اطاعت کنی، انتظارش را که می‌کشی ولایت در همین انتظار تجلی پیدا می‌کند. وقتی که ولایت آمد همه چیز می‌آید، اول ولایت بعد نماز، این ولایت است که به نماز روح می‌دهد، چطور می‌گوییم اول لباس غضبی نباشد بعد نماز، زمین غضبی نباشد، بعد نماز، انتظار جلوگاه ولایت است.

پاورقی

[۱] سوره هود(۱۱)، آیه ۲۸.

[۲] سوره غاشیه(۸۸)، آیات ۲۲-۲۱.

[۳] سوره انعام (۶)، آیه ۶۶.

[۴] سوره رعد (۱۳)، آیه ۱۱.

- [۵] سوره انفال، آیه ۵۳.
- [۶] سوره اسراء (۱۷)، آیه ۸.
- [۷] سوره توبه (۹)، آیه ۱۱۸.
- [۸] سوره قصص (۲۸)، آیه ۲۳.
- [۹] همان سوره، آیه ۲۴.]
- [۱۰] همان آیه.
- [۱۱] فیض الاسلام، نهج البلاغه، ص ۵۰۷، خطبه ۱۵۹.
- [۱۲] همان جا.
- [۱۳] سوره قصص (۲۸)، آیه ۲۷.
- [۱۴] همان آیه.
- [۱۵] سوره مائده (۵)، آیه ۹۷.
- [۱۶] سوره بقره (۲)، آیه ۲۴۹.
- [۱۷] سوره بقره (۲)، آیه ۲۵۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در

نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR۹۰-

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

